یادداشت تاریخی

چرا برادران با امیرکبیر دشمنی می‌کنند؟

راز یک کینه دیرینه

عباس امانت

رودسری- میرزا تقی خان امیرکبیر، در میان رجال سیاسی تاریخ معاصر ایران، شخصیتی محبوب و پرطرفدار است. او همان کسی است که با «نظم میرزاتقی خانی» خود، جامعه آشفته ایران را سامانی دوباره بخشید. هر چند این دوران درخشان، سه سال بیشتر طول نکشید، اما شیرینی همین زمان کوتاه، چنان در ذهن و خاطر ایرانیان باقی ماند که امروزه اگر به سراغ هر ایرانی وطن‌دوستی بروید و نام امیر را ببرید، گل از گلش می‌شکفد و به او افتخار می‌کند. با این حال، در نوشته‌های نویسندگان بهائی، چه آنان که در دهه‌های قبل به نگارش روآورده‌اند و چه کسانی که امروزه در این عرصه فعالیت می‌کنند، رویکردی توام با دشمنی و کینه به وی وجود دارد. یکی از حملات متأخری که به ساحت شخصیت محبوب ایرانیان صورت گرفت، از جانب عباس امانت، استاد بهائی دانشگاه ییل آمریکا و در کتاب مشهور «قبله عالم» بود. او در این کتاب، سعی فراوانی دارد که چهره‌ای زشت و کریه را از امیرکبیر به نمایش بگذارد و ظاهراً با استناد به برخی روایت‌های نه چندان معتبر تاریخی، کیاست و سیاست او را به چالش بکشد.

شاید اگر راز این خصومت را ندانیم، برداشتمان از نوشته‌های امانت، اظهار نظرهای بی‌طرفانه یک پژوهشگر باشد؛ اما حقیقت را باید در جای دیگری جُست. بهائیت، فرقه‌ای است که با پشتوانه اندیشه‌های بابی به وجود آمد؛ فرقه‌ای که در اواخر دوره محمدشاه قاجار پدیدار شد و مشکلات فراوانی را برای کشور ایجاد کرد. بابیه در ابتدای کار توانسته بود با سوءاستفاده از برخی آموزه‌های دین اسلام در زمینه مهدویت و پیشگویی‌های آخرالزمانی، نظر جمعی از مردم را به خود جلب کند؛ اما هنگامی که شورش‌های خونین بابیان به راه افتاد و صدها نفر، طعمه تیغ بی‌دریغ آن‌ها شدند و از سوی دیگر، باطل بودن ادعاهای مهدویت، نبوت و الوهیت باب، یکی پس از دیگری به وسیله علمای آن عصر اثبات شد، نگاه جامعه به این دگراندیشان تندرو که از ریختن خون دیگران پروایی نداشتند، تغییر کرد. شورش‌های خونین مازندران، زنجان و فارس و وارد آمدن آسیب‌های جدی به امنیت کشور، میرزاتقی خان را بر آن داشت تا سر مارِ فتنه را قطع کند. به فرمان او، باب را از محبسش در چهریق بیرون آوردند و در دادگاهی با حضور برگزیدگان علمای تبریز، محاکمه کردند. او در این دادگاه، نتوانست هیچ‌کدام از ادعاهایش را ثابت کند و به همین دلیل، به مرگ محکوم شد. اعدام باب در آن شرایط که مردم اطلاع دقیقی از چند و چون کار نداشتند و هنوز بیم فریب خوردن گروهی از آن‌ها وجود داشت، اقدامی بود که تنها از عهده فردی مانند امیرکبیر بر می‌آمد و او این کار را به انجام رساند. این عمل، دست دولتمردان بعد از او را برای کوبیدن بابی‌ها باز گذاشت؛ چرا که آن‌ها با خیال راحت و با اطمینان شیوه مقتدرانه امیر، در مقابله با بابی‌ها سریع و بی‌واهمه عمل می‌کردند. به همین دلیل، نباید متوقع باشیم که در آثار نوشتاری بهائیان، هرچند که به ظاهر محققانه نوشته شده باشد، نشانی از تخاصم با میرزاتقی خان را مشاهده نکنیم.

پاسخ تاریخی به تهدید ترامپ علیه فرهنگ باعظمت ایران

ابله! چنگیزخان هم نتوانست

جواد نوائیان رودسری- دونالد ترامپ، رئیس جمهور بی‌خرد آمریکا، به تازگی و در قالب یک توییت، ایرانیان را به انهدام مراکز فرهنگی‌شان تهدید و به میراث ارجمند اجداد ما توهین کرده است. این نخستین بار نیست که یکی از رؤسای جمهور آمریکا، به ملت بزرگ ایران توهین می‌کند؛ حتی نخستین بار نیست که فرهنگ و تمدن ایرانی، آماج تهدید اجانب قرار می‌گیرد. ایرانیان در طول تاریخ هزاران ساله خود، هیچ‌گاه در برابر بیگانگان سر خم نکرده‌اند و اگر گاه، هرچند به ظاهر، مدتی مغلوب توان نظامی دشمن شدند و چند صباحی را زیر بار سنگین اشغالگری، روزگار گذراندند، اما از خاکسترهای سوخته دیار پارس، دوباره جوانه تمدن ایرانی رویید و در زمانی کوتاه، به درختی تناور مبدل شد و سایه‌سارش، حتی اقوام مهاجم را نیز، در بر گرفت. راز مانایی فرهنگ ایرانی را باید در نوع دوستی و مهرپروری آن جست‌وجو کرد؛ معرفتی که غربیان و به ویژه رئیس جمهور شیرین عقل آمریکا را از آن بهره‌ای نیست. ستاره پرفروغ فرهنگ ایران، بر تارک سپهر اندیشه جهانیان، چنان رخشنده و پرنور است که یاوه‌گویی و طامات‌بافی امثال ترامپ، نمی‌تواند مانع از پرتوافشانی آن به نوع بشر شود. شاید بد نباشد، هر چند به طور اجمال، جواب این هرزه‌گویی را با مصداقی تاریخی بدهیم؛ مصداقی که شخصیت اصلی‌اش را، البته می‌توان خردمندتر از ترامپ دانست! می‌خواهیم از هجوم و ایلغاری بگوییم که به یک‌باره، تاریکی را بر تاریخ ایران مستولی کرد؛ اما ناپایداری این تاریکی، شاهدی است که می‌توان آن را به مثابه مشتی محکم، بر دهان امثال ترامپ کوبید.

> آن‌چه ایرانی به جهان عرضه کرده‌است را نمی‌توان با چند لیچاربافی تهدید و با سلاح‌هایی که نماد جهل بشرند، ویرانش کرد

■ آن مصیبت عالمگیر

به احتمال زیاد باید هجوم مغولان را، مصیبت‌بارترین واقعه تاریخ بشری بدانیم؛ هجومی که تأثیری عمیق بر ملت‌های مختلف گذاشت و ظاهراً، بسیاری از دستاوردهای تمدنی بشر را از بین برد. این که مغولان چگونه و چرا به چنین قدرتی دست یافتند، موضوع این نوشتار نیست؛ اما به طور خلاصه می‌توان گفت که آن‌ها در زمانی مناسب، تحت رهبری یک خونخوار زیرک قرار گرفتند؛ زمانی که سرزمین‌های پهناور همجوارشان، درگیر مخاصمات داخلی بود و انسجامی برای متوقف کردن این سیل بنیان‌کن وجود نداشت. چنگیزخان، پس از حذف «کوچلوک‌خان»، خان مقتدر نایمان‌ها که بر سرزمین قراختائیان غلبه کرده بود، همسایه خوارزمشاهیان شد و به بهانه کشته شدن بازرگانان مغول در شهر «اُترار»، در سال ۶۱۶ هـ.ق (۵۹۸ هـ.ش)، به ایران هجوم آورد. صدها هزار ایرانی در این هجوم سراسری، کشته شدند و شهرهای آبادانی مانند هرات، نیشابور و مرو با خاک یکسان شد و برخی از آن‌ها، دیگر روی رونق و آبادی را ندید. مرگ چنگیزخان، توسعه‌طلبی مغولان را موقتاً متوقف کرد، اما آن‌ها پس از تشکیل یک قوریلتای (جلسه بزرگ مشورتی)، هولاکوخان را که نوه چنگیز بود برای تصرف کامل ایران، با هزاران سرباز به سرزمین ما فرستادند. این بار ایران به تمامی اشغال شد و هر آن‌چه باقی مانده بود، طعمه وحشی‌گری مغولان شد؛ کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی و ...؛ تاریکی بر سراسر میهن ما سایه گسترد.

■ طلوع دوباره

هولاکو پس از استیلا بر سرزمین‌های غربی، از سوی خان بزرگ مغول به عنوان حاکم ایران تعیین شد؛ به دیگر سخن، ایران را به یکی از ایالت‌های حکمرانی بزرگ مغولان تبدیل کردند. بخشیان، روحانیان بودایی، با پشتیبانی مغولان به ایران آمدند تا فرهنگ دینی و اعتقادی این مرز و بوم را دگرگون کنند؛ اما درست هنگامی که همه چیز بر باد رفته فرض می‌شد، وضع به طرز عجیبی تغییر کرد. حدود ۳۰ سال بعد از مرگ هولاکو، در سال ۶۹۴ هـ.ق (۶۷۴ هـ.ش)، غازان، نواده هولاکو که تمام کودکی خود را نزد بخشیان بودایی گذرانده بود، بر سریر حکومت ایران تکیه زد و دیری نگذشت که ارتباطش را با حکومت مرکزی مغولان قطع و ایران را مستقل اعلام کرد. غازان، با نام محمود، به اسلام گروید و تمام مغولان را وادار به پذیرش این دین کرد. او اهتمام فراوانی به فرهنگ ایرانی داشت و خواندن شاهنامه فردوسی در دربار او، صلای سربرآوردن دوباره فرهنگ غنی ایران زمین را سر داد. در همان دوره‌ای که به گمان برخی، باید پایان فرهنگ ایرانی، با هجوم مغول رقم می‌خورد، اندیشمندانی از ایران سر برآوردند که دنیا در برابر دانایی و توانایی آن‌ها، سر تعظیم فرود آورد. خواجه نصیرالدین توسی، عطاملک و شمس‌الدین جوینی، خواجه رشیدالدین فضل‌ا... همدانی و ده‌ها نام‌آور دیگر، پرچم فرهنگ ایرانی را دوباره به اهتزاز درآوردند؛ طوری که در اواخر حکومت ایلخانان، دیگر اثر چندانی از فرهنگ مغولی به چشم نمی‌خورد و آن‌ها، مگر در عرصه واژه و سخن گفتن، نشانی از پیشینیان خویش، نزد خود نمی‌یافتند. یکی از مدعیان ایلخانی پس از ابوسعید، انوشیروان نام داشت و این خود می‌رساند که چگونه فرهنگ ایرانی، در تار و پود مهاجمان وارد شد و آن‌ها را مسخ کرد؛ آن‌گونه که در آداب و رسوم و حتی نام‌گذاری فرزندان هم، پیرو ایرانیان شدند. آری؛ فرهنگ و تمدن ایرانی که به یُمن امتزاج با تمدن بزرگ اسلامی به اوج عظمت و شکوفایی خود رسید و از روح آن، در کالبد زمان دمیده شد تا در هر عصری و هر فصلی، شکوفه‌ای تازه دهد و ایران زمین را بیاراید، زدودنی نیست. به دیگر سخن، آن‌چه ایرانی به جهان عرضه کرده‌است را نمی‌توان با چند لیچاربافی تهدید و با سلاح‌هایی که نماد جهل بشرند، ویرانش کرد. جای بسی شگفتی و البته خنده است که چگونه رئیس جمهور مجنون آمریکا، سرزمینی که تمام وسعت آن به اندازه بالاخیابان شهر مشهد قدمت ندارد، برای فرهنگی چنگ و دندان نشان می‌دهد که در پرتو آن، بزرگمهرها، بوعلی‌ها، ابوریحان‌ها، خوارزمی‌ها، حسابی‌ها و ملاصدراها پرورش یافته‌اند؛ هرچند این یاوه‌گویی‌ها، از کسی که چیزی نمی‌داند و دنیا را با همان آداب گاوچرانی‌اش تفسیر می‌کند، بعید نیست. فرهنگ عظیم ایران زمین، بیدی نیست که با این بادهای متعفن، بلرزد و دلبستگانش را بیمناک آسیب دیدنش کند.

مکتوبات تاریخی

دانستنی‌هایی درباره «تاریخ علم در ایران»

دانش در فلات ایران، از دیرباز جایگاهی بلند داشته است. ایرانیان همواره طالب کسب علوم گوناگون بوده‌اند و در این مسیر، هم داشته‌های دیگران را می‌آموختند و هم، یافته‌های خود را در اختیار دیگران قرار می‌دادند. کتاب «تاریخ علم در ایران»، دقیقاً به همین ویژگی ایرانیان توجه کرده و به بررسی آن پرداخته است. این کتاب، پژوهشی است مفصل و قابل تقدیر که می‌توان در آن، پرونده‌ای اجمالی از سیر تطور علوم مختلف را در ایران، ملاحظه کرد. دکتر مهدی فرشاد که خود از استادان علوم مهندسی است، این اثر را در دو جلد به رشته تحریر درآورده است. جلد نخست کتاب «تاریخ علم در ایران»، به طبقه‌بندی علوم در ایران، از دوره باستان تا دوران طلایی تمدن اسلامی، اختصاص دارد. در این مجلد، مباحثی همچون ستاره‌شناسی، تاریخ طبیعی، جغرافیا، زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک و موسیقی بررسی شده است؛ نکته جالب توجه در این بخش، دستاوردهای پژوهشی نگارنده در زمینه چگونگی رشد دانش در ایران باستان است؛ دستاوردهایی نظیر اثبات مدعای ساختن نخستین پیل الکتریکی جهان در ایران عهد اشکانی، در همین جلد از کتاب بررسی می‌شود. در جلد دوم، به ادامه بحث جلد نخست، البته در عرصه علوم کاربردی‌تری مانند پزشکی و مهندسی، پرداخته شده است. همچنین، گاه شماری و اندازه‌گیری نیز، از جمله علومی است که سیر تطور آن‌ها در تاریخ ایران، ضمن ارائه اطلاعاتی جالب و کمتر مورد توجه قرار گرفته، بررسی می‌شود. فصل پایانی کتاب، به موضوع مراکز آموزشی و فرهنگی که نسبتی مستقیم با گسترش علوم در تاریخ ایران داشته است، اختصاص دارد. این کتاب، به‌ویژه برای آن دسته از دانش‌آموزانی که تکالیف و پژوهش‌هایی درباره تاریخ رشد علوم مختلف در ایران انجام می‌دهند، توصیه می‌شود. «تاریخ علم در ایران» را انتشارات امیرکبیر منتشر کرده است.

گزارش تاریخی

مصدق در دام تبلیغات سفید و سیاه

«یرواند آبراهامیان» در کتاب «کودتا»، درباره چگونگی انجام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌نویسد: «نقشه کودتا دو بخش عمده داشت: ایجاد آشوب و ناآرامی به منظور بی‌ثباتی دولت و اجرای کودتای نظامی برای سرنگونی دولت. ویلبر شخصاً مسئول بخش جنگ روانی بود. او متخصص تبلیغات سفید و سیاه بود. تبلیغات از نوع سفید، اطلاعاتی تخریب‌گر اما حقیقی و مرتبط بود و تبلیغات سیاه، شامل ارائه اطلاعاتی غیر واقعی و عمدتاً گمراه‌کننده می‌شد. او با افتخار گفته است که وظایف و مأموریت او تضعیف دولت به هر شکل ممکن و دامن زدن به احساسات و هیجانات عمومی علیه مصدق بود.» (صفحه ۲۴۰) وی درباره الگویی که سفارت آمریکا و انگلیس، برای اجرای کودتا در ایران به کار گرفتند، می‌نویسد: «بخش‌های اساسی طرح کودتا عبارت بود از: برجسته کردن تهدید فرضی کمونیسم، مرتبط کردن جبهه ملی و حزب توده، مبالغه در قدرت حزب توده، پرتعداد نشان دادن هواداران حزب، جعل اسناد برای اثبات رخنه حزب در دولت، طرح این ادعا که حزب توده در حال آماده شدن برای اجرای کودتاست و هشدار در این مورد که مصدق آگاهانه یا ناآگاهانه راه را برای الحاق ایران به بلوک کمونیستی فراهم می‌کند.» (صفحه ۲۴۱) به نوشته «آبراهامیان»، با وجود تأکید آمریکا و انگلیس بر مسئله نفوذ کمونیسم، سیاستمداران این دو کشور، چندان به موضوع حزب توده و نفوذی که مدعی آن بودند، اهمیت نمی‌دادند. او می‌نویسد: «نخستین نشست مشترک وزارتخانه‌های خارجه آمریکا و بریتانیا منجر به این توافق شد که در شرایط کنونی، هیچ عنصری از تحریکات روسی مشاهده نمی‌شود و این مسئله، به طور اصولی نباید بخشی از مشکل کوتاه مدت و فوری جنگ سرد تلقی شود ... موضوع تهدید کمونیسم آن قدر تکرار شده بود که مصدق نیز نتوانست از به طعنه گرفتن آن خودداری ورزد. لوی هندرسون در آخرین دور مذاکرات خود درباره غرامت، شکایت داشت که هرگز نمی‌تواند دیدگاه‌ها و برداشت‌های مصدق را به بریتانیایی‌ها بقبولاند. مصدق در جواب به طعنه گفته بود: می‌توانی به آنان بگویی که شما ایران را از کمونیسم نجات می‌دهید!» (صفحه ۲۴۳) به نوشته «آبراهامیان»، «در نقشه کودتا تصریح شده بود که رسانه‌ها، به ویژه روزنامه‌های غربی باید بر خطر کمونیسم تأکید و از بابت تساهل مصدق نسبت به حزب توده اعلام نگرانی کنند.» (صفحه ۲۴۹).

برگرفته از کتاب «کودتا»، اثر «یرواند آبراهامیان» ترجمه محمدابراهیم فتاحی (نشر نی؛ ۱۳۹۲)

همکار محترم
جناب آقای دکتر بابک گنجه ای فر
ارتقاء شایسته جنابعالی را به مقام
دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد
تبریک عرض می نماییم .
دکتر محمد اصل زارع و بانو

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی های تبریک، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی :
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی :
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

SATR
مرکز آموزش هنر و رسانه
ثبت‌نام ترم زمستان
ثبت نام اینترنتی
www.satrschool.com
ثبت نام حضوری و تلفنی
مشهد
بلوار شهید صادقی
(سازمان آب)
صادقی ۱۸
شماره ۲۵
تلفن:
۳۷۰۰۹۰۰۹
ساعت پاسخگویی:
۱۰-۱۸
فتوژورنالیسم
فرامرز عامل بردبار، مهدی فاضل و امین خسرو شاهی
چهارشنبه ۲۰-۱۸
۱۰ جلسه- ۲۸۰ هزار تومان
ترکیب‌بندی در عکاسی
نوشین وفادار
شنبه و دوشنبه ۱۸-۱۶
۱۰ جلسه- ۲۸۰ هزار تومان
عکاسی پیشرفته (سطح ۲)
محمدرضا چاپفروش
یکشنبه ۲۰-۱۶
۱۲ جلسه- ۳۶۰ هزار تومان
نورپردازی چهره
علی حسینیان
دوشنبه ۲۰-۱۶
۷ جلسه- ۳۵۰ هزار تومان
ویرایش عکس
امین ابراهیمی
سه‌شنبه ۱۸-۱۶
۱۰ جلسه- ۲۸۰ هزار تومان
عکاسی مقدماتی
حمید سلطان‌آبادیان
یکشنبه و سه‌شنبه ۱۸-۱۶
۱۰ جلسه- ۲۸۰ هزار تومان
عکاسی مقدماتی
مهدی پیرسلامی
شنبه و دوشنبه ۱۸:۳۰-۱۶
۱۰ جلسه- ۲۸۰ هزار تومان
زبان انگلیسی تخصصی عکاسی
مهسا تقوی
سه‌شنبه ۲۰-۱۸
۱۰ جلسه- ۲۸۰ هزار تومان
اعطای مدرک مورد تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
مدیر دپارتمان:
مهدی رضوی
دپارتمان عکاسی
Photography Department

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی مناقصه عمومی نوبت دوم (چاپ دوم)
«ممیزی املاک شهر میاندوآب»
شماره: ۲۷۵۸۷
تاریخ: ۹۸/۱۰/۸
شهرداری میاندوآب در نظر دارد به استناد بند ۵ مصوبه شماره ۵۶ مورخه ۹۸/۰۲/۲۲ دوره پنجم شورای اسلامی شهر میاندوآب و آیین نامه ترتیب ممیزی موضوع تبصره ۱ ماده ۲ قانون نوسازی و عمران شهری و از محل منابع داخلی و کمک های دولتی قسمتی از عملیات ممیزی املاک مسکونی، تجاری، اداری و سطح شهر بر اساس عملیات نوسازی و ساماندهی بایگانی و ایجاد آرشیو الکترونیک پرونده های شهرسازی و ایجاد بانک اطلاعات پایه املاک بر اساس عملیات ممیزی و بانک اطلاعات پایه معابر بر اساس عملیات ممیزی و تهیه لایه های نقشه های GIS RADY را در محدوده شهر میاندوآب به مساحت خالص ۱۲۵۰ هکتار و ناخالص ۱۸۵۰ هکتار ، از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۹۸/۱۰/۰۹ می باشد. کلیه واجدین شرایط میتوانند از تاریخ ۹۸/۱۰/۰۹ روز دوشنبه تا آخر وقت اداری مورخ ۹۸/۱۰/۲۸ روز شنبه جهت اطلاع از شرایط مناقصه به واحد امور قرارداد شهرداری میاندوآب مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۴۴۴۵۲۳۳۳۱۸ تماس حاصل نمایند و نسبت به خرید اسناد مناقصه اقدام و برگ پیشنهاد قیمت خود را علاوه بر ثبت در سامانه دولت، حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخه ۹۸/۱۰/۲۸ به دبیرخانه شهرداری تحویل دبیرخانه فرمایند. بدیهی است در صورت نیاز واحد امور پیمان و قرارداد در اوقات اداری پاسخگویی سوالات متقاضیان محترم می باشد.
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت شهرداری میاندوآب مراجعه نمایند.
ملکی - شهردار میاندوآب
۳۶۰